

مشاورین زمین‌شناسی

دکتر مانوئل بربریان

دکتر مانوئل بربریان در سال ۱۳۲۴ در تهران، در خانواده ای مسیحی و ارمنی پا به جهان گذاشت. دوران تحصیل دبستان و دبیرستان خود را در تهران گذراند و در سال ۱۳۴۳ با کسب رتبه اول از دبیرستان خوارزمی فارغ التحصیل شد. علاقه شدید وی به زمین‌شناسی، وی را برای تحصیل در این رشته به گروه زمین‌شناسی دانشگاه تهران کشاند تا سرنوشت مقدمات ظهور یکی از بزرگترین لرزه‌شناسان کشور را فراهم آورد. وی در سال ۱۳۴۷ با کسب رتبه اول در این رشته فارغ التحصیل گردید.

مانوئل جوان پس از دریافت مدرک لیسانس به سازمان زمین‌شناسی کشور پیوست و در فاصله سالهای ۱۳۵۰ تا سال ۱۳۵۶ در سمت های زمین‌شناس، سنگ‌شناس، نماینده سازمان زمین‌شناسی کشور در همایشهای بین‌المللی، مسئولیت مشترک با مؤسسه بین‌المللی دیمز و مور در انتخاب ساختگاه و مطالعه خطرهای زمین‌شناختی نیروگاه هسته ای بوشهر، معاونت و ریاست بخش زمین‌ساخت و لرزه زمین‌ساخت سازمان زمین‌شناسی کشور فعالیت کرد، اما شوق ادامه تحصیل و علاقه بیش از حد وی به لرزه زمین‌ساخت و لرزه‌شناسی باعث شد تا وی در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) تمام مسئولیتهای خود را رها کرده و برای ادامه تحصیل راهی انگلستان شود.

مانوئل سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ را به عنوان دانشجوی تحصیلات تکمیلی در بخش ژئودزی و ژئوفیزیک دانشگاه کمبریج سپری کرد، و در سال ۱۹۸۱ با دریافت مدرک دکتری در رشته ژئوفیزیک و با تخصص در لرزه زمین‌ساخت و لرزه‌شناسی زلزله از این دانشگاه فارغ التحصیل گردید و پس از بازگشت به میهن و اشتغال مجدد در سازمان زمین‌شناسی کشور در فاصله سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۹ (۱۹۸۱-۱۹۹۰) به عنوان پژوهشگر، کارشناس ارشد زمین‌شناسی و رئیس بخش در پژوهشهای صحرایی زمین‌لرزه، مدیر طرح بم-زاهدان در پروژه شناسایی زمین‌شناسی - معدنی، و به عنوان مشاور علمی رئیس سازمان به فعالیت پرداخت. در همین دوران، ضمن تدریس در دوره کارشناسی زمین‌شناسی دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد زمین‌شناسی ساختمانی- زمین‌ساخت در دانشگاه تربیت مدرس، به عنوان مشاور در انتخاب ساختگاه و مطالعات لرزه زمین‌ساخت و خطر زمین‌لرزه در پروژه های مهم ملی مانند سدهای بزرگ، نیروگاهها، پالایشگاهها، کارخانه های بزرگ و مناطق شهری فعالیت کرد. وی در سال ۱۹۹۰ (1369) به عنوان عضو هیئت مدیره مؤسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله برگزیده شد.

دکتر بربریان در سال ۱۹۹۰ عازم آمریکا شد تا فعالیت‌های پژوهشی خود بر روی ایران را در آنجا دنبال کند. در ۲ سال اول پس از عزیمت خود در گروه صحرایی مطالعه دیرینه لرزه‌شناسی گسل سان آندریاس در مؤسسه فناوری کالیفرنیا و در تدوین نخستین کاتالوگ زمین‌لرزه ایران در یونسکو شرکت داشت و از ۱۹۹۲ تا کنون نیز در مؤسسه **Najarian** نیوجرسی آمریکا به عنوان متخصص زمین‌شناسی و محیط زیست مشغول فعالیت است.

انجمن زمین شناسی ایران در سال ۱۳۷۷ به پاس سالها پژوهش بر روی لرزه شناسی و پیشبرد دانش زمین لرزه و نقش دکتر بربریان در زمین ساخت ایران، وی را به عنوان اولین زمین شناس نمونه سال انتخاب کرد. دکتر بربریان با بیش از ۲۲ سال تجربه دانشگاهی، صحرایی و پژوهشی در علوم مرتبط با زمین لرزه و ۸ سال تجربه در علوم- مهندسی محیط زیست و خطرهای زمین ساختی، موفق به ارائه بیش از ۲۵۰ مقاله در زمینه های لرزه شناسی، لرزه زمین ساخت، زمین شناسی زمین لرزه ها، ارزیابی خطر لرزه ای، زمین ساخت، زمین شناسی ناحیه ای، زمین شناسی ساختاری، زمین شناسی صحرایی، نقشه های زمین شناسی، علوم و مهندسی محیط زیست شده است. مقاله های کلیدی وی در مورد زمین ساخت ایران، همچنان مرجع بسیاری از مطالعات زمین شناسی ایران است و بسیاری از ناگشوده های زمین شناسی ایران را حل کرده است.

وی به زبانهای انگلیسی، ارمنی، فارسی، ترکی و آشوری تسلط کامل دارد و در مدت اقامت در ایالات متحده، با دانشمندی از دانشگاه کمبریج، آکسفورد، اورگون، آزمایشگاه جت کالتک- ناسا، و سازمان یونسکو، در پروژه های گوناگون بین المللی همکاری داشته است.

دکتر بربریان به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ لرزه زمین ساخت جهان و از چهره های علمی درخشان عصر حاضر، داوری مقالات مجله های علمی معتبری همچون *Journal of Asian Earth Sciences*, *Geological Magazine*, *Tectonophysics*, *Nature* را به عهده داشته و عضو مؤسسه ها و انجمنهای بسیاری همچون: فرهنگستان علوم نیویورک، مؤسسه زمین شناسان حرفه ای آمریکا، اتحادیه پیشبرد علوم آمریکا، مؤسسه پژوهشهای مهندسی زلزله آمریکا، انجمن فلسفه کمبریج، انجمن زمین شناسی لندن، انجمن زمین شناسی آمریکا، اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا، موسسه زمین شناسی آمریکا، انجمن لرزه شناسی آمریکا، مؤسسه بین المللی پیشگیری و کاهش خطرهای طبیعی کانادا می باشد. در مراسم کتاب سال جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۴ نیز یکی از کتب وی موفق به دریافت جایزه ویژه این مراسم گردید.

مانوئل بربریان به رغم زندگی در ایالات متحده، علاقه به زبان فارسی و ایران زمین را همچنان حفظ کرده است و پژوهشهایی نیز در متون قدیمی زبان فارسی انجام داده که یکی از آثار بسیار ارزشمند و خواندنی وی به نام «جستاری در پیشینه دانش کیهان و زمین در ایرانویج» نتیجه عشق و علاقه ناگسستنی وی به زادبوم خود و زبان فارسی است. وی در این کتاب، پیدایش انگاره رانه قاره ای را به ابوریحان بیرونی نسبت می دهد.

پیام دکتر بربریان برای دانشجویان و زمین شناسان جوان:

مهر ورزیدن به کشور، ایرانشهریان، پژوهش و کار به عنوان "راه" و نه "هدف" چون "هدف" برای رهرو در این راه:

نوشیدن ذره ای از قطره دریای بیکران روشن شدگی، آگاهی از گوشه ای از راز سرچشمه سپندارینه نیروهای گیتیانه فراانسانی، و قانونهای فیزیکی چیره بر آنها و کهکشانشناست.

خنک سپندینه رهروانی که این راه زیبا را پیمودند، شعاعی از نور خورشید را به چشم دیدند و بدین سان راه را به دیگر رهروان نشان دادند و خود به خورشید پیوستند. منبع: وبلاگ انجمن علمی زمین شناسی دانشگاه تهران

با سلام و خسته نباشید خدمت شما

از این که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید سپاسگزاریم ممنون می شویم چنانچه به پرسش های زیر پاسخ دهید.

۱ - لطفا معرفی کوتاهی از خود و سوابقتان بفرمایید.

در ۵ آبان ماه ۱۳۲۴ در خیابان بزرگمهر (خاور دانشگاه تهران) بدنیا آمدم . دبستان استاد فردوسی در خیابان تخت جمشید را در خرداد ماه ۱۳۳۷ ، و دبیرستان استاد خوارزمی را در خرداد ماه ۱۳۴۳ با رتبه ی نخست در حوزه ی امتحان نهایی به پایان رساندم. یکسال پیش از آن ، در اردیبهشت سال ۱۳۴۲ پدرم به ناگهانی به سبب بیماری کلیه فوت شد و سرپرستی خواهر ، برادر و من به تنهایی به گردن مادرم افتاد و مادرم به تنهایی با کار خیاطی به پرورش ما پرداخت . زندگی دشواری بود .

در مهرماه ۱۳۴۳ در رشته ی زمینشناسی دانشکده ی علوم دانشگاه تهران پذیرفته شده و در خرداد ۱۳۴۷ با رتبه ی نخست فرهیخته شدم. با اینکه میل وافری به ادامه تحصیل و آموختن داشتم ، شوربختانه برای نخستین بار در سال ۱۳۴۳ ، ادامه ی تحصیل بدون انجام خدمت سربازی ناممکن شد. از اینکه این قانون تازه اجازه ی فراگیری بیشتر و ادامه ی تحصیل را بمن نمیداد دچار افسرده گی شدید شدم . پس از ۹ ماه بی برنامه گی ، از ۱۹ فروردین ۱۳۴۸ تا ۱۹ فروردین ۱۳۵۰ ، بدون هیچ بازدهی شخصی و یا کشوری به دوران بیهوده ی سربازی از دیدگاه شخصی من گذشت.

یکروز پس از پایان سربازی ، ۲۰ فروردین ۱۳۵۰ به سازمان زمینشناسی کشور رفته و شخص آقای مهندس خادم ، بنیانگذار سازمان زمینشناسی کشور که استاد من در درس کانسار ها بودند ، مرا بدون هیچگونه پرسشی استخدام کردند. دو سال نخست را در گروه سنگشناسی سنگهای آذرین و دگرگونی گذراندم و سپس بتنهایی بخش زمینساخت و لرزه زمینساخت را برای نخستین بار در کشور در سازمان زمینشناسی کشور پی ریختم. در آن هنگام کمتر کسی نگاه ژرفی به پژوهشهای زمینساختی و لرزه زمینساختی داشت و دانشی نیز در این زمینه کمتر یافت میشد. کاری بود بزرگ و نو ، با میدانی گسترده و امکانات بسیار کم و بدون همکار . بخشی بود با یک کارمند برای چند سال و آن نیز خود پایه گذار آن بود.

در شهریور ماه ۱۳۵۷ در دانشگاه کمبریج انگلستان پذیرفته شده و برای گذراندن دوره ی دکتری Ph.D. بمدت ۴ سال در دانشگاه کمبریج به تحصیل و پژوهش پرداختم. پس از دریافت دکتری از یکی از والاترین و کهن ترین دانشگاه های دنیا ، با وجود امکانات کاری فراوان در اروپا و آمریکا ، و علیرغم جنگ ایران و عراق ، به کشور بازگشتم. با وجود کمبود های در پیوند با جنگ هشت ساله ، بویژه استاد ، همزمان با کار پژوهشی در سازمان زمینشناسی کشور ، به آموزش زمینساخت ، زمینساخت برگه ای (Plate

Tectonics ، برای نخستین بار در کشور) و لرزه زمینساخت در دانشگاههای تهران و تربیت مدرس پرداختم . دشواری کار در آن هنگام نبود کتاب ها و ماهنامه های دانشی کشورهای پیشرفته در ایران بود . ولی برای ادامه کار پژوهشی و آموزشی و با وجود محدود بودن ارز قابل خرید شخصی و حقوق ناچیز کارمند دولتی ، بخش کوچکی از انتشارات لازم را از بودجه خانواده پرداخت و از خارج فراهم می آوردم . در همین دوران ، در سال ۱۳۶۳ یکی از کتابهای پژوهشی من عنوان بهترین کتاب سال را در رشته ی زمینشناسی از آن خود ساخت . این کتاب به زبان انگلیسی نگاشته شده است .

پس از سپری شدن دوران سخت جنگ هشت ساله ، بمباران های هوایی (که یکی از آن ها بهنگام تدریس در تربیت مدرس روید) ، و کمبودهای در پیوند با جنگ ، در پاییز سال ۱۳۶۹ پس از بررسی زمینلرزه ی ویرانگر رودبار ، بعلت گرفتاری های ناخواسته ی خانواده گی مجبور به ترک کشور شدم . ولی در تمام این مدت پیوند خود را با ایرانزمین و پژوهش بر روی مسائل دانشی کشور را همچنان نگهداشتم .

در سال ۱۳۷۵ به عضویت آکادمی علوم نیویورک برگزیده شدم . از سال ۱۳۵۰ تاکنون با کار شبانه روزی و مهری که به کار و کشورم داشته و دارم به نگارش بیش از ۳۰۰ گزارش ، کتاب و نقشه های پژوهشی به دو زبان فارسی و انگلیسی پرداختم . از آن شمار ، ۱۰۸ نوشتار در ماهنامه های والای دانشی کشور های پیشرفته صنعتی دنیا و یا در سازمان زمینشناسی کشور به چاپ رسید و بیش از ۱۹۳ کار پژوهشی به طرحهای بزرگ عمرانی کشور (چون نیروگاههای اتمی و حرارتی ، سدها ، پل ها ، پالایشگاه ها ، لوله های نفت و گاز ، شهر ها و شهرک ها و کان های گوناگون) و ایمنی آنها از دیدگاه خطر های زمین اختصاص داده شده است . به جرات میتوان گفت که در درازنای ۵۰ سال زمینشناسی جوان ایرانزمین کمتر کسی به نگارش های پژوهشی در این توان دست یازیده است .

سال گذشته برای آموزش و پژوهش و یاری رساندن به جوانان کشور در سطح بالای کشورهای پیشرفته ی صنعتی دنیا به کشور بازگشتم . شوربختانه اشتیاقی از سوی سازمانها و پژوهشکده های کشور ندیدم و به ناچار دوباره راهی دیار غربت شدم . ترک کشوری که آدمی به خاک و آب و مردم و فرهنگ آن مهر میوزد هم چون ترک روح و روان از جان و تن است . در حال حاضر مشغول نگارش ۳ کتاب بزرگ درباره ی لرزه شناسی ، زمینساخت ، و زمین شناسی کانشناسی ایرانزمین به انگلیسی هستم . کتاب نخست به ۱۰۰۰ صفحه در کامپیوتر رسیده است . چنانچه عمری باقی باشد کتابها را در آمریکا به چاپ میرسانم . در صورت فوت ، سفارش کرده ام فایل های کامپیوتری و پرونده های در پیوند آنها که اطاقی را پر کرده اند به بنیاد ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا (دانشنامه ایرانیکا) همراه با کتابخانه شخصی پیشکش میشود تا کار را به پایان برسانند .

۲- به نظر شما جایگاه فعلی رشته زمین شناسی در دنیا چیست؟

۳- جایگاه زمین شناسی ایران در جهان چگونه است؟

۴- آینده زمین شناسی ایران را چطور می بینید؟

زمینشناسی در کشورهای پیشرفته صنعتی از دانش و فنورزی والا و بسیار پیشرفته ای برخوردار است. رشته ای است بسیار پویا با کاربرد های گسترده و توان ارائه ی خدمات بی شمار به دیگر رشته ها در راه بهبود زندگی انسانی. دلیل این پویایی و پیشرفت روزافزون، مدیون رقابت سالم دانشی در گستره ی سالم و پژوهشی دانشگاهی، بودجه ی پژوهشی هنگفت، روش درست آموزش و پرورش، و نوآوری در این کشورها است. هر روز پیشرفت و نوآوری در این رشته روی میدهد و آینده ی آن نیز بسیار روشن است. بدینسان دانشگاهها از بهترین استاد ها برخوردارند و این استادان، بهترین دانشجویان را بر میگزینند. در سنجش میتوان گفت که در کشور، ما با کمبود گسترده ی استادان آزموده و پژوهشگر روبرو هستیم. از سویی دیگر کتابخانه های دانشی ما بسیار بی توان است و دسترسی کامل به تمامی ماهنامه های والای دانشی و کتابهای تازه برای همه وجود ندارد.

مرز های کنونی ایرانزمین پوشش بسیار خوبی از کوهزادهای گوناگون و کانسارهای در پیوند هر یک از کوهزادها را دارد و بررسی ژرف و درست آنها نیاز به نیروهای آزموده ی زیادی دارد. شوربختانه در این زمینه در آغاز کار پژوهشهای زمینشناسی و کنایایی بوده و راه درازی را در پیش داریم. کارهای بنیادی از سو و یا با همکاری کارشناسان آزموده ی بیگانه انجام شده و هنوز هم میشود. با گذشت ۵۰ سال از بررسیهای زمینشناسی کشور، هنوز کمتر گروه، پژوهشکده، موسسه و یا فرد وجود دارد که به تنهایی و بدون یاری از سوی کارشناسان بیگانه گام های بنیادی را برداشته باشد. در نگرشی به گزارشهای اندک چاپ شده در ماهنامه های دانش زمین کشورهای پیشرفته، نام یک یا دو ایرانی با قطاری از نامهای اندیشمندان بیگانه به روشنی به چشم میاید. در کشور های منطقه، کشور ترکیه از مقام بالاتر از ما در این زمینه برخوردار است.

پیشگیری و کاهش خطر های زمینشناختی چون زمینلرزه، کوهریزش، زمینلغزش، دریالرزه، روانگرایی خاک و زمین از دیگر کارهای این رشته است که شوربختانه در ایرانزمین به آن توجه چندانی نشده است. ما بینش درستی از تمامی گسله های لرزه زای کشور نداریم و گسله هایی را که تنها چهره ی روی زمین آنها را به ریخت خطی باریک می شناسیم، از میزان انباشتگی انرژی و دوره ی بازگشت زمینلرزه های آنها نا آگاهییم. در زمینلرزه ی با بزرگی میانی $M_w 6/6$ شهر بم یک شهر ویران شد و میان $31/828$ تا $43/000$ نفر از ایرانیان کشته شدند. در حالیکه در زمینلرزه ی ژانویه ۲۰۱۰ شیلی با بزرگی $M_w 8/8$ تنها ۵۰۰ نفر کشته شدند و بیشتر سازه ها بر پا ماندند. اینها نمونه ی کوچکی از سنجش جایگاه و آینده ی دانش زمین در دنیا و ایران است.

۵- به نظر شما تدریس دروس زمین شناسی چگونه باشد تا بیشترین بازده را داشته باشیم؟ چگونه باشد تا انگیزه را در دانشجویان افزایش دهیم؟ معضلی که امروزه به یکی از مشکلات بزرگ دانشجویان زمین شناسی تبدیل شده است.

از دیدگاه من، بار انگیزتن اندیشه و روح و روان دانشجویان هوشمند و نابغه ی ایرانی و راهبری آنها بسوی اندیشه ی پویای کارساز پژوهشی، تنها و تنها به گرده ی استادان است. شوربختانه برخی از استادان به کار روتین تدریس و ترجمه (که معمولاً نام تالیف را روی آن میگذارند) مشغول بوده و کمتر به کار درست آموزش و پرورش به دانشجویان می پردازند. استادانی وجود دارند که یک نوشتار به نام خود در ماهنامه های والای جهانی ندارند و دانش آنها نیز مربوط به چندین و چند سال پیش است. دانشجویان مجبور به از بر کردن هزاران هزار نام سنگواره، سنگ و سازند هستند بدون اینکه بینشی از پیام های کاربردی نهفته در آن ها را داشته باشند. برای نمونه دانشجو نمیداند که سازند های لالون، کرج، و یا بختیاری

و هزار دره گویای چه پدیده ی جهانی در پیوند با زمینساخت برکه ای است، و یا اینکه چگونه میتوان از رهگذر این پیامهای نهفته در دل آنها، از زمینساخت برکه ای در کاوشگری کان ها و کانسار ها سود برد. در نتیجه بیشتر دانشجویان از اندیشیدن، راهبری، کاوش، پژوهش، نگارش و علاقه بیگانه میمانند. کلاس درس بصورت سخنرانی های خشک یکساعته با چندین و چند واژه در آمده، دانشجویان از دانش و آموزشگاه بیزار شده و هیچ انگیزه ای جز گرفتن نمره ی قبولی و دریافت مدرک و آزاد شدن از بند دانشگاهها را نخواهند داشت. ولی همین دانشجویان بسیار باهوش ولی بی انگیزه زمانی که در سیستم درست آموزشی کشور های پیشرفته قرار میگیرند به ناگهانی شکوفا شده و سبب افتخار ما میشوند.

۶ - موضوعی که در این جا به نگرانی بسیاری از دانشجویان زمین شناسی تبدیل شده است عدم وجود بازار کار مناسب برای فارغ التحصیلان این رشته است. بازار کار برای زمین شناسی در کشوری مثل آمریکا به چه صورت است؟ آیا در آن جا هم اوضاع به همین منوال است؟

این نگرانی بسیار بجا بوده و دلیل آن نیز بسیار روشن است. با توجه به نکته های اشاره شده در بالا، دلیل بنیادی دیگر نبود بازار کاری برای زمینشناسان جوان، نبود برنامه ریز های دانشی دراز و میان مدت بر پایه ی آمارهای درست اجتماعی در این زمینه است. بدینسان با دید کوتاه مدت، در هر کوی و برزن کشور، دانشگاه و پژوهشگاه زمینشناسی گشوده شد و برای پر کردن میزهای خالی استادان، مجبور به استخدام استاد و آموزگار از هر کوی و برزن شدند و چنین است که بدون توجه به بازار کاری، انبوه دانشگاه ها و پژوهشکده ها به خط تولید انبوهی مدرک تحصیلی با محتوای اندک با افت سطح دانشی میپردازند. شاید از دیدگاه آماری، شمار پژوهشکده ها و فرهیختگان، شمار بالایی در سنجش با دیگر کشورهای خاورمیانه نشان دهد ولی این شمارهای شگفت انگیز هیچ دردی از نیازهای کشور را برطرف نکرده، بلکه به بازار بیکاری و آمار بالای بیکاران دامن زده است. چنین تورم زمینشناس بیکار در کشور پیشرفته ی صنعتی دنیا، که توان آنها خیلی بیشتر از کشور ماست، دیده نمی شود. ایران کشور بسیار ثروتمندی است با جوانان باهوش. ما نیاز به برنامه ریزی و سرمایه گذاری درست داریم.

۷ - چه توصیه ای برای زمین شناسان نوپای ایران زمین دارید؟

پیشنهادی به دانشجویان گرامی نمیتوان کرد، چون این پیشنهاد ها دردی از کربایی آنها را دوا نمیکند. افزون بر این به یاد داشته باشید که مسئول این بیکاری شخص دانشجو نیست. در نتیجه پیشنهاد را میتوان به (۱) دیپلمه هایی کرد که در راه انتخاب رشته ی تحصیلی و آینده خود و خانواده ی خود میباشند، و (۲) همچنین به برنامه ریزان کشوری.

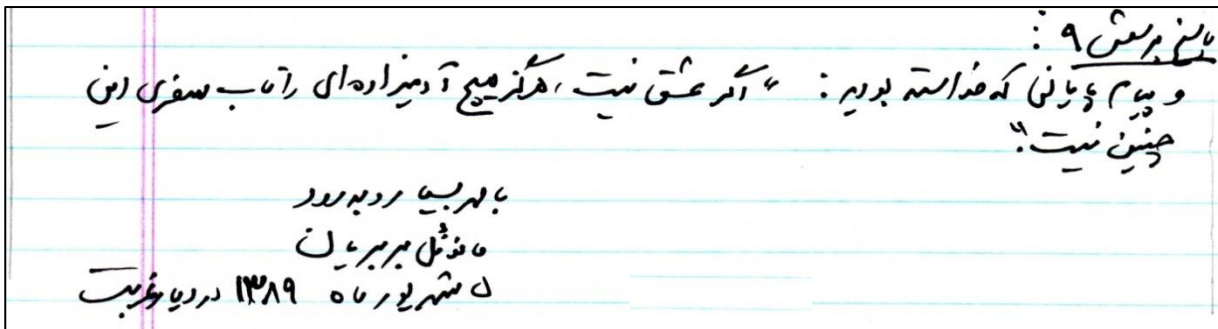
داوطلبان پیش از گزینش رشته ی زمینشناسی باید پژوهشی از دیدگاه بازار کاری دست کم در ۴ سال آینده ی در کشور، و توان دانشی دانشگاه / پژوهشکده و استادان آن را انجام دهند. چنانچه به نتیجه ی درست و خوبی رسیدند میتوانند به گزینش این رشته تن در دهند. پس از گزینش درست، میتوان به نکته ی سوم، بود یا نبود مهر و انگیزه به زمینشناسی در تن و روان و اندیشه و دل داوطلب توجه نمود. چنانچه مهری در این کار نباشد، بهتر است در همان گام گزینش، رشته ی زمینشناسی را فراموش کنند، بویژه آنکه درآمد چندانی نیز از کار در این رشته به دست نخواهند آورد و زندگی در کوه و بیابان آنها را از خانواده و شهر و غذای خوب بدور میسازد.

۸ - چه توصیه ای برای پیشرفت فعالیت های انجمن های خودجوشی مثل انجمن ما دارید؟

دیدگاه خوبی درباره ی واژه ی "انجمن های خودجوش" در جای جای کشور ندارم. نیاز دانشی - پژوهشی رشته های گوناگون دانش زمین نیاز به گشایش انجمن و نشست های دانشی در پیوند آن، و در فرجام داشتن ماهنامه دانشی را پیش می آورد. زیاد شدن انجمن ها بگونه ی خودجوش چون رویش قارچ در هر شهر و شهرستان، دردی را از زمینشناسی کشور

دوا نمیکند. برای نمونه به بررسی تمامی انجمن های زمینشناسی خودجوش و بی جوش ، راندمان کاری و ماهنامه های دانشی آنان بپردازید . با وجود شمار زیاد دانشگاهها و پژوهشکده های زمینشناسی و ماهنامه های رنگ و وارنگ آنان (برخی از آنها نگاره های هفت رنگ خوش خط و خالی را نیز بر روی جلد و کاغذ اعلاای داخل دارند) ، نوشته های دانشی چاپ شده در این ماهنامه ها در سطح نوشتارهای کشورهای پیشرفته صنعتی نیست . اگر در چنان سطحی بود که در ماهنامه ی والای جهانی به چاپ میرسید و یا ماهنامه های دانشی ما با نگاره های هفت رنگ و کاغذ اعلا را نیز کتابخانه های دانشگاههای خارجی میخریدند . چنانچه هدف از گشایش انجمن زمینشناسی تنها گشایش انجمن جدیدی باشد ، بهتر است از آن روی گرداند و نیرو را در راه درست بکار گرفت و آن راه درست ، راه راست آموزش و پرورش زمینشناسی واقعی در دل برنامه ریزی درست دراز مدت کشوری است .

۹- و حرف آخر؟



ممنون از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. به امید سربلندی ایرانزمین .

مصاحبه کننده : مسعود اویسی

ماتریکس عکس

موضوع: ساختارها و مناظر زیبای زمین شناسی از دوربین دانشجویان

(عکس هایی را که در سفرهای علمی خود گرفته اید به نمایش بگذارید)

همراه با اهدای جوایز نفیس به سه عکس برتر

زمان: ۶ الی ۱۳ آذرماه ۱۳۸۹

مکان: سرسرای دانشکده علوم زمین